

## فیلم‌های فوتبالی اینجا جای چپ زدن نیست



علیرضا محمودی

در حالی که ترکیب سینما و فوتبال در مطبوعات باعث موفقیت هفته‌نامه‌های فراوانی شد، اما این ترکیب در ساختار تولید سینمای ایران با چنان سرنوشتی روبه‌رو شده که انگار بازگشت به آن حاصلی جز خنده حضار نیست. داستان فقط اکران افتضاح مثلث آبی (۱۳۷۸/۱) هادی صابر) با ترکیب جواد زرینچه و محمد صالح علا نیست و ماجرا نباید فقط رفتن یک هزارم تماشاگران بازی‌های پرسپولیس برای دیدن فوتبالیست‌ها (۱۳۷۹/اکبر ثقفی) باشد. پرونده بی‌علاقگی مردم به دیدن فوتبال ایرانی در فیلم ایرانی بازتر از این حرف‌هاست. وقتی در دوران مختلف با ۲ دروازه‌بان محبوب تیم ملی چه در سال ۱۳۷۹ با احمد رضا عابدزاده (از دوام غیابی) و چه در سال ۱۴۰۰ با علیرضا بیرانوند (بیرو) فیلم‌ها نمی‌توانند دلبری حتی محدودی هم راه بیندازند، گریزانی سینمای ایران از فوتبال بیشتر نمایان می‌شود. انگار فوتبال فقط به عنوان یک موضوع فرعی برای انواع فیلم‌ها توصیه می‌شود تا داستانی برای جذب مخاطبان. از داستان زمین خوردن یک فوتبالیست مانند شکوه قهرمان (۱۳۴۸) علیرضا زرین دست) تا بحران‌های عاطفی یک هوادار فوتبال مانند عمو فوتبالی (۱۳۵۴/ایرج قادری). از آشفته‌گی‌های عاطفی یک شرط‌بند فوتبال از هت‌تریک (۱۳۹۸/رامتین لوفی) تا تومان (۱۳۹۷/مرتضی فرشاد). از بهم خوردن رابطه یک زوج به خاطر فوتبال مانند عرق سرد (۱۳۹۶/سهیل بیرقی) تا گیر کردن چند زن مشتاقی که می‌خواهند هر طور شده وارد استادبوم شوند مانند آفساید (۱۳۸۴/جعفر ناهایی). از مشکلات مربیان فوتبال در شهرستان‌ها مانند کتونی سفید (۱۳۸۶/محمد ابراهیم معیری) تا زاپاس (۱۳۹۴/برزو نیک‌نژاد).

فیلم‌های ایرانی دیگری هستند که داستانشان یک جا به فوتبال گیر کرده یا قهرمان‌ها یک جا با نتیجه فوتبال خوشحال و غمگین می‌شوند، اما سینمای ایران در چرخه تولید فیلم‌های ایرانی هرگز اعتماد به نفس ساختن فیلمی درباره فوتبال و یا حتی یک بازی فوتبال نداشته است. همه چیز در تماشای فوتبال و رفتن به استادبوم و یا استفاده از شور و هیجان سکوها خلاصه شده.

در سال ۱۳۷۶ که بازی‌های ایران برای صعود به جام جهانی به اوج حساسیت رسیده بود، ناصر تقوایی پیشنهاد داد که کارگردان پخش مستقیم یکی از بازی‌های ایران شود تا جای دوربین و نحوه سوئیچ دوربین‌ها در استادبوم آزادی را تصحیح کند. بدون شک تماشای بازی ایران با کارگردانی سازنده «ای ایران» بیشترین اتفاق سینمایی بود تا فوتبالی.

## گفت‌وگو با انسیه شاه‌حسینی، کارگردان فیلم دست‌ناپیدا

# ما باید تماشاگر تربیت کنیم

# نه تماشاگر، فیلمساز

سمانه محسنی

ژانر دفاع مقدس مجموعه‌ای از مشخصات و مؤلفه‌هاست که بسته به نگاه فیلمسازانی که در این ژانر کار کرده‌اند، در هر دوره‌ای ویژگی‌های خاصی در آن قابل بازشناسی است. گاه این ژانر با نگاه انتقادی در آمیخته و حاصل کار فیلمی انتقادی شده و گاه به ستایش بی‌کم و کاست موضوعش

بسنده کرده. با هر نگاهی، تولید فیلم‌های دفاع مقدسی، مخصوصاً در سال‌های اخیر، با جدیت بیشتری پیگیری شده و در جشنواره امسال چند فیلم دفاع مقدسی وجود دارد. انسیه شاه‌حسینی فیلمساز دفاع مقدسی است که با جدیت‌ترین فیلمش، «دست‌ناپیدا» در جشنواره چهل و دوم حضور دارد. با او درباره این فیلم گفت‌وگو کردیم که در ادامه می‌خوانید.



اما از نظر شکل و پرداخت و جنس نگاه به موضوع یک دنیا با هم تفاوت دارند. همه چیز بین این دو اثر ۱۸۰ درجه فرق دارد. «حوض خون» بیشتر بیوگرافی زنانی است که لباس رزمندگان را می‌شستند، ولی من در فیلمم یک درام اجتماعی از این موضوع ساختم.

در فیلم‌های قبلی تان همیشه با بازیگران حرفه‌ای کار کرده‌اید، اما در «دست‌ناپیدا» با ناباب، یگران و بازیگران بومی کار کردید. چرا بازیگران غیر حرفه‌ای را برای این کار انتخاب کردید؟

برای اینکه باورپذیر باشد. اگر یکی از بازیگران زن سلبریتی را می‌بردیم کنار کارون لباس می‌شست، همه می‌خندیدند. اما وقتی یک چهره ناشناس این کار را انجام می‌دهد و به بهترین شکل هم انجام می‌دهد و خودجنس است، کار من موفق‌تر می‌شود. ضمن اینکه جنس قصه‌های من نیاز به سلبریتی ندارد. بازیگر سلبریتی به درد فیلم‌هایی می‌خورد که قصه‌ها فقط به دنبال جلب تماشاگر هستند، ولی فیلم من قائم به قصه است. موضوع است که برای من مهم است و هر بازیگری می‌تواند این نقش را بازی کند، کما اینکه در این فیلم بیش از ۱۰ بازیگر ناشناس را که تا به حال بازی نکرده بودند، به سینما معرفی کردم. چون در دست سر جای خودشان در فیلم نشستند و درست بازی کرده‌اند و من استفاده درستی از آنها کردم، غیر از اینکه فیلم من را قابل باور کردند، چند هنرپیشه خوب هم به سینما معرفی شد.

در جشنواره امسال چند فیلم با موضوع دفاع مقدس و فرماندهان جنگ حضور دارد. به عنوان کارگردانی که سال‌ها در سینمای دفاع مقدس کار کرده‌اید، وضعیت این نوع سینما را چطور ارزیابی می‌کنید؟

سال‌های خیلی وحشتناکی بود؛ مثل دست‌نزدی آفت‌زده و ملخ‌زده. ولی حالا خوشبختانه بار رویکرد فرهنگی دولت سیزدهم و مسئولان این دولت در این مدت کم چند فیلم خوب دفاع مقدسی ساخته‌اند و به جشنواره آورده‌اند و فکر می‌کنم در آینده هم رو به ازدیاد برود. هم در زمینه فیلم‌های دفاع مقدس و هم در زمینه فیلم‌های اجتماعی حرکت خوبی آغاز شده است و من به آینده سینما خیلی امیدوارم.

به نظر شما مخاطبی که به فیلم‌های کمدی عادت داده شده، اصلاً از فیلم‌های دفاع مقدس استقبال خواهد کرد؟

آنقدر باید بسازیم تا مخاطب عادت کند. برای اینکه خوراک خوب به مخاطب ندادیم. طبیعتاً وقتی مدام ساندویچ به تماشاگر می‌دهیم، ذائقه‌اش به خوردن آبگوشت عادت ندارد. اگر خوراک خوبی به تماشاگر بدهیم، رغبت می‌کند. ما باید تماشاگر تربیت کنیم نه تماشاگر، فیلمساز.

پیش‌بینی می‌کنید فیلم شما در اکران عمومی مخاطب داشته باشد؟

صدرصد، با ریتم خوبی که دارد، کسانی که فیلم را دیده‌اند، گفته‌اند پر فروش خواهد بود.



بین «زیباتر از زندگی» که در سی و یکمین جشنواره فیلم فجر به نمایش در آمد و «دست‌ناپیدا» که امسال در جشنواره حضور دارد ۱۲ سال فاصله است. چرا بین فیلم قبلی و فیلم جدیدتان این قدر فاصله افتاد؟

من در این مدت خیلی فیلمنامه نوشتم، ولی خب دولت وقت می‌گفت اینها در اولویت ما نیست و بنابراین دوست نداشتند و کمک نکردند و فیلم‌های ما نوشته شده باقی ماند. تا اینکه دولت جدید آمد و ما نخستین فیلمنامه‌ای را که در دست داشتیم، ساختنش را شروع کردیم.

شما در این سال‌ها همیشه اصرار داشتید که فیلمساز دفاع مقدس باشید، ژانر دیگری مثل درام اجتماعی نیست که علاقه‌مند باشید در آن کار کنید؟ صرفاً به ساخت فیلم‌های دفاع مقدس علاقه دارید؟

درست است که فیلم‌هایم دفاع مقدسی است ولی در همه‌شان درام‌های اجتماعی وجود دارد. مثلاً اگر فیلم «پنالتی» را دیده باشید، یک درام قوی اجتماعی است که بخشی از آن دفاع مقدسی است. «شب‌بخیر فرمانده» یک درام اجتماعی بود. «زیباتر از زندگی» هم همین‌طور. «دست‌ناپیدا» هم یک درام اجتماعی است در قالب دفاع مقدس. من تک‌بعدی نگاه نمی‌کنم و صرفاً به جنگ نمی‌پردازم. فقط به نیروهای دفاعی نمی‌پردازم. همه فیلم‌های جنگی من بخشی‌شان درام اجتماعی است، منتها باید با دقت دید و این خط اجتماعی را در آنها پیدا کرد.

منظورم از درام اجتماعی فیلم‌هایی است که مسائل روز جامعه را دستمایه کار خود قرار می‌دهند.

دوستان به اندازه کافی از این فیلم‌ها می‌سازند. ژانر دفاع مقدس است که اقبال فیلمسازان به آن کم است. من آدمم در این ژانر کار کردم به صرف اینکه کمتر به آن می‌پردازند و احساس کردم چون در جنگ حضور داشتیم، باید انجام وظیفه کنیم. شاید دیگران واقعیت‌های آن دوران را نمی‌دانند، ولی من تکلیف دارم چیزهایی را که دیدم بگویم.

در مصاحبه‌هایی که پیش از جشنواره انجام داده بودید، گفته بودید ایده «دست‌ناپیدا» را از فیلم خودتان «شب‌بخیر فرمانده» گرفته‌اید، اما صحبت‌هایی هم هست که فیلم شما قرابت‌هایی با کتاب «حوض خون» دارد. فیلم شما اقتباسی است یا ایده‌اش از فیلم دیگر خودتان گرفته شده؟

فیلم من هیچ ربطی به این کتاب ندارد. «حوض خون» راه دیگری می‌رود و قصه دیگری است و فیلم من راه خودش را می‌رود و قصه خودش را دارد. فقط در موضوع اشتراک دارند. مثلاً شما می‌روید راجع به فوتبال فیلم می‌سازید، یک نفر دیگر هم می‌رود و راجع به فوتبال فیلم می‌سازد. بین این دو فیلم فقط موضوع که فوتبال است مشترک است، ولی دو فیلم متفاوتند. «حوض خون» قصه زنانی است که لباس رزمندگان را می‌شستند و از جبهه حمایت می‌کردند و فیلم من هم درباره همین زنان است.

